

# درستی بر آرایهٔ سجع

محمد امین شمسی‌نیا

دانشجوی سال سوم دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه  
دبیر زبان و ادبیات فارسی مدارس متوسطه شهرستان پیرانشهر

## چکیده

یکی از آرایه‌های بدیعی سجع است. این آرایه در کتاب آرایه‌های ادبی سال سوم متوسطه و نیز سایر کتاب‌های ادبیات فارسی متوسطه مورد توجه است. در کتاب آرایه‌های ادبی و نیز کتب بدیعی تعریف روشنی از این آرایه نیامده است؛ به گونه‌ای که طبق تعاریف ارائه شده، مواردی را می‌توان سجع به حساب آورد که موسیقی آن‌ها گوش‌نواز نیست. در این مقاله بر آنیم که تعریف و چارچوب دقیقی از این آرایه به دست دهیم، تا از این تضادها و تعارض‌ها بیکاهیم.

**کلیدواژه‌ها:** سجع، متوازی، مطرف، متوازن

## مقدمه

سجع از جمله آرایه‌هایی است که در بدیع لفظی مورد توجه است و استفاده از آن در نظم و به ویژه نثر تأثیر موسیقایی چشمگیری دارد. براساس تعاریفی که از سجع در کتاب آرایه‌های ادبی سوم ادبیات و علوم انسانی و نیز کتب بدیعی آمده است، نمی‌توان به روشنی مصادیق این آرایه را مشخص نمود و حتی گاهی مصادیق انواع سجع مشتبه نیز می‌شوند. در این نوشتار، بر آنیم که تعریفی نسبتاً جامع از این آرایه بیابیم، انواع آن را با ذکر نمونه بیان کنیم، ارکان تعریف هر یک را واکاوی نماییم و سپس، به ذکر نمونه‌هایی از کتب بدیعی و نیز نمونه‌هایی که به اشتباه در قلمرو سجع گنجانده می‌شوند، بپردازیم.

## ۱. تعریف سجع در کتب بدیعی:

سجع در اصل لغت آواز کبوتران و فاخته است (همایی، ۱۳۷۳: ۴۱).

در اصطلاح «یکی از روش‌هایی است که با اعمال آن، در سطح دو یا چند کلمه (یک جمله) یا در سطح چند جمله (کلام)

**سجع هماهنگی  
واژگان پایانی دو  
یا چند جمله یا  
قرینه‌های نظم و نثر  
است که از نظر وزن  
و واج یا واج‌های  
پایانی یا هر دوی  
آن‌ها یکی باشند**

موسیقی و هماهنگی به وجود می‌آید یا موسیقی کلام افزونی می‌یابد. (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۳).

بیشتر کتب بدیعی از اشتراک حرف روی در دو سجع متوازی و مطرف سخن گفته‌اند، اما باید در نظر داشت که گاه اشتراک حرف روی موسیقی خاصی را القا نمی‌کند؛ مثلاً طبق تعریف آن‌ها می‌توان دو واژه «مقدار» و «تنویر» را - چون در وزن و حرف روی یکسان‌اند - سجع متوازی به حساب آورد. حال آنکه روشن است که از این دو واژه، موسیقی کناری گوش‌نوازی احساس نمی‌شود. در ادامه، تعریفی از سجع با در نظر گرفتن همهٔ زوایای انواع

سجع ارائه می‌شود و ارکان تعریف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هماهنگی واژگان پایانی دو یا چند جمله یا قرینه‌های نظم و نثر است که از نظر وزن و واج یا واج‌های پایانی یا هر دوی آن‌ها یکی باشند. اکنون ارکان تعریف فوق را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

۱. اگر واژه‌های سجع در پایان جملات واقع شوند، حداقل دو جمله برای تحقق آن لازم و حداکثر جمله‌های آن محدودیتی ندارد:

«شکر خدای را که طاعتش موجب  
قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»  
(گلستان سعدی)

ذکر این نکته ضروری است که گاه، همچون ردیف در شعر، در نثر نیز بعد از واژه‌های مسجع افعالی می‌آید و معمولاً چنان که در مثال فوق هم دیده می‌شود، یکی از افعال به قرینهٔ لفظی حذف می‌شود. ۲. منظور از قرینه، واژگان دو جمله یا دو مصراع است که دو به دو در مقابل هم قرار می‌گیرند و این در ترصیع، موازنه و قافیة میانی مشهود است:

برگ بی‌برگی بود ما را نوال  
مرگ بی‌مرگی بود ما را حلال  
(مولوی)

واژگان دو	برگ	بی‌برگی	بود	ما را	نوال
به دو قرینه	↑	↑	↑	↑	↑
هم‌اند	مرگ	بی‌مرگی	بود	ما را	حلال

عقل گفت: من دبیر مکتب تعلیمم. عشق گفت: من عبیر نافۀ تسلیمم. (منسوب به خواجه عبدالله انصاری)

واژگان	عقل	گفت	من	دبیر	مکتب	تعلیم
دوبه‌دو قرینۀ	↑	↑	↑	↑	↑	↑
هم‌اند	عشق	گفت	من	عبیر	نافۀ	تسلیم

البته ممکن است همهٔ واژگان دو مصراع یا دو جمله قرینۀ هم نباشند و قرینه‌ها به یک یا چند واژه محدود شود. ۳. مقصود از وزن در این تعریف، وزن عروضی است نه وزن صرفی، و در وزن عروضی دو واژه یا جمله یا مصراع زمانی هم‌وزن‌اند که تعداد هجاهای آن‌ها برابر و هجاهای کوتاه و بلند آن‌ها در مقابل هم باشند. مثلاً، «توایی» با «توانا» هم‌وزن‌اند؛ زیرا، هر دو از یک هجای کوتاه و دو هجای بلند، ساخته شده‌اند و هجای کوتاه و هجاهای بلند در برابر هم‌اند.

نَ	وا	یی
و	-	-
ث	وا	نا

۴. مقصود از یکسانی واج یا واج‌های پایانی همان، قواعد تحقق قافیه است؛ یعنی، رعایت حداقل حروفی که برای قافیه لازم است، در سجع نیز ضرورت دارد. در کتب بدیعی، یکسانی حرف روی آمده است اما چنان که اشاره شد، حرف روی به تنهایی موسیقی لازم را به واژه‌های مسجع نمی‌بخشد. نیز اگر مثال‌های ذکر شده در این کتب مورد واکاوی قرار گیرد، متوجه می‌شویم که جز در مواردی که فقط حرف روی به تنهایی برای قافیه کافی است در دیگر موارد، حداقل حروف همان حروف لازم برای قافیه است. بر این اساس، واژه‌های «همان» و «چنین» دارای سجع متوازن‌اند نه متوازی؛ زیرا این دو واژه موسیقی را که از دو واژه «رهمین» و «چنین» طنین‌انداز می‌شود، تولید نمی‌کنند. اکنون با توجه به تعریف ارائه شده در بالا، به تبیین انواع سجع و ویژگی‌های لازم هر یک می‌پردازیم.

۱. **سجع متوازی:** این سجع موسیقایی‌ترین نوع سجع است و برای تحقق آن، دو واژه مسجع باید شرایط زیر را دارا باشند:

۱. تعداد هجاهای دو واژه برابر باشند. ۲. هجاهای کوتاه و بلند در مقابل هم

باشند. ۳. واج یا واج‌های لازم طبق قواعد قافیه در دو واژه موجود باشد.

«هنر چشمۀ زاینده است و دولت پاینده» (سعدی)

«زاینده» و «پاینده» دارای سجع متوازی‌اند؛ زیرا شروط سه‌گانه فوق در آن‌ها مهیا است.

زا	ین	د
-	-	و
پا	ین	د

۲. **سجع مطرّف:** در این نوع از سجع، از سه شرط بالا، فقط تحقق شرط سوم ضروری است؛ یعنی اگر دو واژه حداقل واج‌های لازم برای قافیه‌سازی را در پایان داشته باشند، می‌توانند واژه‌های مسجع باشند:

«محبّت را غایت نیست؛ از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست» (عطار) دو واژه «غایت» و «نهایت» واژه‌های مسجع‌اند که طبق قواعد قافیه، حداقل حروف لازم برای قافیه‌سازی را دارند اما در وزن مختلف‌اند.

۳. **سجع متوازن:** در این نوع سجع که در برخی از انواع آن موسیقی به حداقل می‌رسد، تحقق دو شرط از سه شرط یاد شده، ضروری است؛ یعنی کافی است، دو واژه فقط در وزن عروضی یکسان باشند. البته چنان که اشاره شد، ممکن است گاهی مصادیقی از این نوع سجع با سجع متوازی در هم آمیخته شوند. مثلاً «همان» و «چنین» از مصادیق سجع متوازن‌اند نه متوازی؛ زیرا موسیقی حاصل از یکسانی واج پایانی (موسیقی کناری) گوش‌نواز نیست.

«ملک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک، ضایع.» (کلیله و دمنه) «باطل» و «ضایع» واژه‌های مسجع، و در تعداد هجاها و تقابل دو هجای بلند یکسان‌اند.

با	طل
-	-
ضا	بع

گاهی به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که نمی‌توان آن‌ها را مصداق هیچ‌یک از انواع سجع قرار داد. مثلاً، دو واژه «دلیل» و «اقبال» را نمی‌توان در هیچ‌یک از انواع سجع جا داد؛ زیرا نه وزن عروضی در آن به چشم می‌آید و نه یکسانی صرف یک واج پایانی، موسیقی لفظی و گوش‌نوازی را طنین‌افکن می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

سجع آرایه‌ای است که در صورت یکسانی وزن و حرف یا حروف پایانی در نثر و نظم تحقق می‌یابد. این آرایه باید با تعریف و مصادیق دقیق با توجه به موسیقی بیرونی و کناری حاصل از واژگان هماهنگ، سنجیده شود. گاه واژگانی از مصادیق سجع محسوب می‌شوند که اصلاً در دایرۀ سجع نیستند و گاه مصادیق آن مشتبه می‌شود، اما اگر به ارزش انواع موسیقی و تفکیک هر یک از انواع آن در حوزه سجع توجه شود، این مشتبهات رفع می‌گردد.

### منابع

۱. بهزادی‌اندوهجردی، حسین؛ سیری در بدیع، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۲. رجایی، محمد خلیل؛ معالم‌البلاغه، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ پنجم، شیراز، ۱۳۷۹.
۳. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا؛ موسیقی شعر، آگاه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۰.
۴. شمیسا، سیروس؛ نگاهی تازه به بدیع، انتشارات فردوس، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۴.
۵. کزازی، میرجلال‌الدین؛ بدیع، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.
۶. هادی، روح‌الله؛ آرایه‌های ادبی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، ۱۳۹۳.
۷. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، نشر هما، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۳.